



عکس: محمدحسین طاهریان/شهرآر

در شرایطی که بازار رونقی ندارد.

خانم ضیایی حرف‌های شوهرش را دنبال می‌کند و به اینجا می‌رسد که چرا مجبور شدند از خواجه‌ربیع به شترک اسباب‌کشی کنند. او می‌گوید: شاید با همین اجاره یک میلیون تومانی که اینجا می‌دهیم، در خواجه‌ربیع هم می‌توانستیم خانه پیدا کنیم، اما اسمش خانه بود؛ باید زیر سقفی نیم‌زده، کلنگی، کوچک و حتی با درودیوار رنگ‌ورورفته و کثیف می‌رفتیم. اگر می‌خواستیم مثل همین خانه‌ای که در شترک اجاره کردیم، خانه نوساز، دو خوابه و با در دیوار تمیز در محله قبلی‌مان اجاره کنیم، باید حداقل دو برابر این اجاره را می‌دادیم. اما اجاره خانه‌ها زیاد شده و درآمد ما کم شده بود؛ برای همین ناچار شدیم از محله قدیمی و جایی که تمام کوچه‌ها و خیابان‌هایش پر ابرام‌خاطره دارد، دل بکنیم.

● از همسایگی با ارتفاعات جنوبی تا زندگی در زمین‌های کشف‌رود معصومه از همسایگی با کوه‌ها و ارتفاعات زیبای شهر، خداحافظی کرده و همان منطقه احساس تلخی پیدا شده است؛ منطقه‌ای در حوالی توس که راه اصلی رفت‌وآمد به آن از توس ۳۳ می‌گذرد. روزگاری که بازار کار شوهر معصومه خوب بود، اجاره‌نشین

خانه‌های نوساز منطقه دلاروان و بولوار فکوری بودند اما از وقتی که اوضاع خراب اقتصادی دامن زندگی آن‌ها را هم گرفت، سال‌به‌سال از مناطقی با اجاره خانه سنگین، عقب‌نشینی کردند به مناطقی با اجاره کم. ابتدا از دلاروان به حوالی میدان شهیدفهمیده و به منطقه توس اسباب‌کشی کردند و امسال که اوضاع اقتصادی برایشان بدتر از هر زمانی شده است، ناچار شدند به کشف از مناطق حاشیه شهر مشهد کوچ کنند. شاید اگر فشار اجاره خانه نبود، معصومه هم مجبور نمی‌شد این همه مهاجرت درون‌شهری کند و دست‌آخر هم به اجاره‌نشینی در محدوده کشف‌رود راضی شود. سال‌های خانه‌به‌دوشی معصومه، این‌گونه پرماجرا تا نه خط محدوده مشهد رسیده است و خدا می‌داند، مثل خیلی‌های دیگر شاید او هم با سر رسیدن مهلت یک‌ساله اجاره‌نشینی‌اش، مجبور به دور شدن از مشهد و پناه بردن به روستاهای مجاورش شود.

● احساس تعلق و هویت محله‌ای، شعار یا رویا؟ خانواده بصری از شهرک لشکر به طاب و بعد از آن به جاده سیمان کوچ کرده‌اند. آقای بصری با مدرک لیسانس در یک دفتر بیمه کار می‌کند

که دریافتی‌اش ۲میلیون و ۵۰۰هزار تومان است. در طول پنج سال گذشته، سه خانه در سه محله مختلف شهر جابه‌جا شده‌اند. پارسال در منطقه طلاب، مستاجر بودند با ماهی یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان اجاره. امسال صاحب‌خانه اجاره را یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان گفته است و آن‌ها ناچار به جابه‌جایی شده‌اند.

خانم بصری هم مثل شوهرش تحصیل کرده است. فوق‌لیسانس کتابداری دارد و به قول خودش اگر می‌دانست با این مدرک کاری پیدا

نمی‌کند، علاقه‌اش به کتابداری را کنار می‌ گذاشت و از همان اول دنبال رشته‌ای می‌رفت که شاید در بازار کار امیدی برای کسب درآمد و پیدا کردن شغلی داشت. اکنون خانه‌دار است و برای چرخیدن زندگی باید فقط روی ۲میلیون و ۵۰۰هزار تومان برنامه‌ریزی کنند. با خرج‌ومخارج امروز، هر چه دو دوتأچهارتا کردند، دیدند که اجاره خانه بیشتر از یک میلیون تومان را نمی‌توانند پرداخت کنند؛ برای همین تصمیم گرفتند منطقه زندگی‌شان را جابه‌جاکنند. خانم بصری می‌گوید: یا باید به بدتری‌ن خانه در هر محله‌ای

سال‌به‌سال مستاجران به حاشیه شهر رانده می‌شوند

افزایش اجاره‌خانه‌ها در شرایط کرونا را بگیرد و به‌طور میانگین در هر منطقه از شهر شاهد افزایش ۴۰ تا ۶۰درصدی اجاره‌خانه‌ها بودیم.

به گفته وی، اجاره‌خانه‌ها امسال در نقاط برخوردار شهر به بیشتر از ۵میلیون تومان رسیده است. در نقاط متوسط شهر که تا سال گذشته اجاره‌ها به‌طور میانگین ۱/۵میلیون تومان بود، امسال به ۲ تا ۲/۵میلیون تومان افزایش یافته است، حتی در حاشیه شهر که اجاره‌ها چندصدهزار تومانی بود، امسال به یک میلیون تومان هم رسیده است.

رئیس اتحادیه مشاوران املاک مشهد به این مسئله هم اشاره می‌کند که ما در تمام نقاط مشهد، مستاجر داریم اما خانه‌ها با توجه به وسع مالی افراد، اجاره می‌شوند.

وی درباره پدیده مهاجرت‌های درون‌شهری نیز توضیح می‌دهد: در مشهد شاهد این پدیده هستیم، زیرا به‌دلیل فشارهای اقتصادی، مستاجران مستاصل شده‌اند و خیلی از آن‌ها سال‌به‌سال به حاشیه شهر رانده می‌شوند.

یکی از همین بنگاه‌داران در پاسخ به اینکه چقدر با مستاجرانی سروکار دارند که از نقاط مرکزی شهر و حتی نقاط برخوردار، برای سکونت به این منطقه می‌آیند، می‌گوید: من مشتری‌ای داشتم که از آزادشهر آمده بود اینجا و می‌گفت دنبال اجاره کردن خانه‌ای واحدهای مسکن مهر است. او سال‌ها در خیابان‌های کوهسنگی، احمدآباد و امامت مستاجر بود اما وقتی اوضاع بازار به‌هم ریخته و درآمدش به حداقل رسیده بود، دنبال مسکن مهر می‌گشت. مشتری‌های امسال فلاح این‌طور شده‌اند؛ هر اجاره‌نشینی به دنبال اجاره کمتر.

او همان‌طور که جلوی بنگاه ایستاده است، دست راستش را مثل نیزه‌ای به سمت دوردست‌ها نشانه می‌گیرد و می‌گوید: مشتریان ما حاضرند حتی آنجا، آن پایین‌تر هم بروند، فقط برای اینکه اجاره کمتری بدهند.

نقطه‌ای که فلاح با نوک انگشتش اشاره می‌کند، کنار زمین‌های خالی ته جاده‌سیمان است؛ جایی که شاید به قول سهیلا فقط از ترس چادر خواب نشدن و پشت‌بام خواب نشدن، بتوان به آنجا پناه برد و زیر سقف آن آرام گرفت.

۳۳٪

حدود یک سوم جمعیت مشهد در محلات کم‌برخوردار زندگی می‌کنند یعنی بیشتر از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر.

۱۳٪

سکونتگاه‌های غیررسمی ۱۳ درصد مساحت مشهد را شامل می‌شوند.

۶۶٪

از ۱۷۱ محله مشهد ۶۶ محله در مناطق کمتر توسعه یافته و کم‌برخوردار قرار گرفته‌اند.

۲٪

مشهد رتبه دوم سکونتگاه‌های غیررسمی کشور را دارد.

مستاجر را جواب کند یا هزینه‌های نجومی اجاره بگیرد. در چنین شرایطی افراد در یک نقطه ساکن می‌مانند، به همان منطقه احساس تلخی پیدا می‌کنند و حتی مشارکت‌های اجتماعی آن‌ها شکل می‌گیرد، تقویت می‌شود و افزایش می‌یابد.

اما بیابیم جمعیت مستاجر مشهد را با جابه‌جایی‌های گسترده

در نظر بگیریم که هر سال بیشتر آن‌ها به‌ناچار از منطقه‌ای به منطقه ارزان‌تر می‌روند. طبیعی است در چنین شرایطی نه احساس هویت محله‌ای شکل می‌گیرد و نه افراد می‌توانند در محله زندگی‌شان مشارکت اجتماعی داشته باشند. از طرفی چون مکرر جابه‌جا می‌شوند، باید دائم خودشان را با شرایط جدید هر محله و منطقه

وفق بدهند و این مسئله فشار روانی و مضاعفی به آن‌ها وارد می‌کند و حتی سبک زندگی‌شان را تغییر می‌دهد. این شرایط از ترافیک، شلوغی، منظره و فرهنگ محله گرفته تا موارد ریز و درشتی را که شکل و ماهیت محلات را متفاوت از یکدیگر می‌کند، شامل می‌شود.

در این پروسه، برخی مستاجران ابتدا

«سقوط منطقه‌ای» و پس از آن، «حاشیه‌نشینی» را تجربه می‌کنند. در طرف مقابل مسئولان و متولیان جامعه مدام شعار می‌دهند که ما می‌خواهیم وضع زندگی شما را خوب کنیم و انتظاراتی ایجاد می‌شود ولی بعد نمی‌توانند به این انتظارات جواب دهند. مردم این وضعیت را می‌بینند و ناامید می‌شوند. در کنار

شهروند| معنادان، پایین دیوار راه‌آهن در رستمی ۲، اسوراخ کرده‌اند. همین سوراخ شده است محل ورود سگ‌های ولگرد و موش و موش‌خرما. لطفاً این دیوار را مرمت کنید.

شهروند | بانک صادرات، شعبه چهارراه معلم، در را می‌بندد و مردم را یکی‌یکی راه می‌دهد داخل. پشت در بانک ازدحام می‌شود که خودش خطرناک است.

شهروند | هاشمیه ۷۵ بعد از چهارراه اول: بعضی‌ها انگار نمی‌دانند فرهنگ چیست. دو گل خودروی زیبا در این محل روییده بود. هر دو را کنده‌اند و به‌جایش نایلون‌های زباله خود را آن‌هم در روز، جلوی در منزل می‌گذارند.

غلامرضا جلالی | کوی کارمندان و بوته‌های خشک‌شده وسط بولوار: از شهرداری خواهش می‌کنیم پیگیری کند.

شهروند | شهردار محترم منطقه ۶ و رئیس محترم ناحیه ۱۲ محله عمار یاسر هم جزو منطقه شما محسوب می‌شود. کمی به زیبایی این محله بپردازید.

اباذریان | این درختان زیبا را باید حفظ کرد. اگر شهرداری لطف کند و شاخه‌های اضافه یک اصله درخت بید در هاشمیه ۷۵ را که کمی کج شده است، هرس کند تا با عبور خودروها کنده نشود، خیلی ممنون می‌شویم.

ورود فوج قرآنی به مشهد

سواره پایروند ابوالجمعی قلیچ‌خان که سبید نفر می‌باشد مواجب شش‌ماهه در اطاق نظام دارالخلافه گرفته در دهم رجب به خراسان که حسب‌الامر مأمور بودند روانه شدند. سواره دُوبرن که هفتصدو هشتاد نفر می‌باشند در روز دوشنبه و سه‌شنبه در اطاق نظام مواجب شش ماه گرفتند و حسب‌الامر مأمور خراسان هستند و این روزها می‌روند. فوج قراچهداغی ابوالجمعی عالیچاه محمد

سید مهدی سیبقتبی کارشناس مطبوعات

علیخان سرتیپ که مأمور خراسان بودند در غره شهر رجب روانه شدند و از قراری که معلوم می‌شود در بین راه با نظم زیاد رفت‌اند. از قراری که در روزنامه خراسان نوشته بودند در قندهار در روز جمعه عاوشا پارسسی‌زبانان به قانون ملت خودشان تعویبه‌داری داشته‌اند و فرقه دیگر که به آن‌ها عداوت سابقه داشته‌اند فرصت نموده جمعیتی علی‌الغفله بر سر آن‌ها ریخته قتل و غارت بسیار نموده‌اند حتی به اطفال شیرخواره ابقا نکرده. بعد از آنکه سردار خبر شده جمعیت کثیری از قشون برداشته و رفته آتش فتنه و فساد را منطفی کرده است و در استرداد اموال منهویه آن‌ها مشغول بوده بعد از آن دیگر خبری نرسیده. از قراری که می‌گویند ابراهیم‌خان بلوچ و برادران کریم‌دادخان هزاره به قندهار رفته و قشونی گرفته‌اند که باظهر التوله جنگ کنند و سه دفعه فیما بین فریقین محاربه اتفاق افتاده لکن در هر سه مرتبه قشون قندهاری شکست خورده‌اند اما کل این فقره از اقوال مسموع شده و مکتوبی هنوز چیزی معلوم نیست. دیگر از استماع اقوال نوشته بودند که حیدرخان پسر دوست‌محمدخان از کابل با هفت هزار قشون به‌سمت ترکستان نزدیک به میمنه بلغ رفته شیرقان و سرپل را گرفته بود. چپاری به تعجیل آمده و نشتجائی برای حیدرخان داشت که به‌مجرد ورود چاپار، قشون خود را بر داشته از آنجا مراجعت کرده است لکن سبب مراجعتش معلوم نیست تا بعد مشخص شود. عالیچاه فرج... خان شقاقی سرهنگ فوج ترشیز از قراری که نوشته بودند یک فوج تمام از ترشیز گرفته بود که آلان مشغول متبق اند. فوج قرآنی در ماه جمادی‌الثانی وارد مشهد گردیده و در آنجا مشغول مشق می‌باشند.

روزنامه وقایع اتفاقیه – شماره ۱۵/ ۱۴ رجب ۱۲۶۷

غیبت ساختار و رواج اندرز

صورت گرفت و همین‌طور مفسران و سیاست‌گذاران جدی‌بودن بازگشت بیک‌های مجدد را نادیده گرفتند، اکنون با همان مکانیک آرام و کند و دولت‌ماشینی وابسته به زمان و مکان و شهروندانی که برای گرفتن خدمات باید پرونده به‌دست با استرس در نهادهای عمومی پاس‌کاری شوند، مواجه هستیم. تنگنقل و انتقال بانگی بر داشته‌شد. هر بانک برای خود نرم‌افزاری جدا دارد. دسته‌چک‌ها و خدمات بانکی اغلب حضوری است. پیشخوان خدمات دولت که قرار بود ارائه‌دهنده خدمات دولتی به‌صورت آنلاین و پشتیبانی از حضور مجازی شهروندان باشد، در فضاهای کوچک با تراکم بالای جمعیت مرکز انتقال کرواتست. شهرداری، پلیس، فوه‌فقاپی‌ه و همه نهادها به‌روال قبل فعالیت می‌کنند. کرونا فرصتی بود که از شکل مکانیکی و نیروهای انسانی سنتی به‌شکل کوانتومی و دولت‌الکترونیک حرکت کنیم. شهروندان را نمی‌توان نقد کرد که چرا ماسک نمی‌زنند و چرا حضور اجتماعی دارند، بلکه آنچه قابل نقد است، غیبت ساختارهایی است که ارانه اطلاعات، آ‌ر شیو و ذخیره‌سازی داده‌ها، ایجاد زیرساخت‌های سایبری، شکل‌دهی به فرایندهای خدمات الکترونیکی عمومی، اتصال و یک‌پارچه‌سازی درگاه‌های دولتی در آن‌ها دیده نمی‌شود و به‌جای آن اندرز و پند و التماس روزانه به‌مردم تحویل می‌دهند. در غیبت ساختارها سیاست‌گذاری‌های سنتی و ناقص با اندرزها و التماس‌های پراکنده و بی‌اثر شایع می‌شود. ما در عصر اطلاعات هستیم و شهروندان نیاز به حکومتدندی دیجیتال دارند.

حجاب، حق جامعه

...، باید یکدیگر را به‌خیر و صواب دعوت کنیم. دعوت هم‌ادب و آداب خود را دارد که فقط افراد مؤدب به آن می‌توانند داعی ماجرا باشند و دیگران را که چنین ادبی ندارند و نصح و خیرخواهی در نهاد و زبانشان نیست، همان بهتر که امر خطیر خیرخواهی را به اهلیش واگذارند تا ساحت‌امر به معروف و نهی از منکر از «ناصواب» و فتاری آنان در امان باشد. علاوه بر این، باید دانسته‌این واجب را خیلی فرامیز دید به گونه‌ای که همه شئون عمومی زندگی را در برگیرد که اگر چنین شد، کسی جرئت تعدی و اختلاس به خود نخواهد داد. اگر حساسیت اجتماعی در این زمینه بالا برود، قلدرترین زورگورها هم نخواهند توانست حتی جلوی کودکی را بگیرند چه یک جامعه فعال و هویشار را در برابر خود خواهند دید. دست‌های پنهان که راه‌های پنهان را هم می‌جویند در زیر تابش انوار رسانه‌ها، راهی برای رسیدن به مقصود در تارکی نخواهند یافت. فکر می‌کنم اگر به واقع، امر به معروف و نهی از منکر عملیاتی شود نه فقط حجاب، حریمی واجب‌الحرمه خواهد داشت که حجب و حیای عمومی رو به افزایش خواهد نهاد و دیگر معارف نیز مورد اقبال قرار خواهند گرفت و منکرات، عرصه‌ای برای بروز خواهند یافت. باری ما بر طرح موضوع منکرات و بحث عفاف و ذیل واجب‌امر به معروف و نهی از منکر موقوف‌اما با حصر امر به معروف و نهی از منکر در بحث حجاب، مشکل دارم و معتقدم بحر را در بر که‌ای، نمی‌توان ریخت و نسبت امر به معروف و حجاب همین نسبت دریا و بر که است. البته باید بر که زلال را از گزند سنگ‌ها حفظ کرد که این محافظت از همه جامعه‌است.

منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرفشینی شهر مشهد (۱۹) فصل پنجم: حق براق‌تصاد

۵-۳- تولید

۵۱۳ اداره محلی موظف است با رصد فعالیت‌های اقتصادی در سطح شهر نسبت به رونق‌بخشی اقتصاد شهری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی همراه با کار آفرینی اقدام نماید.

برای مطالعه منشور کامل حقوق و مسئولیت‌های شهرفشینی شهر مشهد کد رهبر و اسکن کنید

روزنامه شهرامید

روزنامه

شنبه

۱۳۹۹

۱۳۹۹

شماره

۵۵

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه